



نکات قابل تأمل در صحبت‌های تحقیرآمیز ترامپ علیه عربستان

چرا در حالی که سعودی روابط خود را با کانادا قطع می‌کند و دائماً برای ایران خط و نشان می‌کشد و حتی قطر را مورد مؤاخذه قرار داده، در برابر تحقیرهای آمریکا سکوت کرده است؟

به گزارش آران نیوز: دونالد ترامپ رئیس جمهور میلیونر آمریکا، چندسال قبل در جریان تبلیغات انتخاباتی طی سخنانی وقیحانه، رسماً و علناً اعلام کرد؛ عربستان برای ما گاوی شیرده‌ای است که هر وقت بخواهیم از آن طلا و دلار می‌دوشیم و هر وقت شیرش تمام شود آن را سر می‌بریم.

به روایت برخی از خبرگزاری‌ها، ترامپ در ادامه این سخنرانی، ضمن کم اهمیت جلوه دادن جایگاه عربستان در سیاست خارجی آمریکا، در تفسیر و تشریح اظهارات خود اضافه می‌کند که «هر وقت این گاو شیرده دیگر نتواند به ما دلار و طلا بدهد، آنگاه دستور ذبح آن را صادر می‌کنیم و یا از دیگران می‌خواهیم اینکار را بکنند یا به آنها در این کار کمک می‌کنیم» و این یک واقعیتی است که همه دوستان و دشمنان آمریکا به ویژه خود آل سعود از آن آگاهند.

وی اخیراً نیز در بخشی از یک سخنرانی دیگر در جمع هواداران خود در یکی از ایالت‌های آمریکا اظهار داشت: «به پادشاه عربستان سعودی گفته بدون پشتیبانی ایالات متحده احتمالاً بیشتر از دو هفته دوام نخواهد آورد».

محمد بن سلمان، وزیر دفاع و ولیعهد سعودی در گفتگو با وبگاه شبکه خبری آمریکایی بلومبرگ، در واکنش به این سخن تحقیرکننده ترامپ، ضمن تحریف تاریخ فقط به این مقدار بسنده کرد که: «عربستان پیش از ایالات متحده وجود داشت. ما از سال ۱۷۴۴ میلادی وجود داریم و فکر کنم که این یعنی بیش از ۳۰ سال قبل از به وجود آمدن آمریکا» و البته این در حالی است که عربستان در سال ۱۹۳۲ موجودیت خود را تحت عنوان یک کشور مستقل اعلام کرده است.

رئیس‌جمهور آمریکا چند روز قبل از آن نیز در یک تجمع انتخاباتی در ویرجینیای غربی گفته بود: «مفصل با ملک سلمان صحبت کرده و به وی گفته است شاید نتوانید هواپیماهایتان را نگاه دارید. می‌دانید چرا؟ چون به آنها حمله خواهد شد، ولی با ما که باشید، کاملاً در امنیت هستید، ولی ما در مقابل، آن چیزی را که باید به دست آوریم، به دست نمی‌آوریم».

اگرچه او قبلاً در یکی از سخنرانی‌هایش مدعی سهم سه چهارمی از ثروت عربستان شده بود، اما معمولاً در لفافه از نیات خود برای دوشیدن آل سعود در قبال حمایت مورد ادعایش سخن می‌گفت، اما این روزها با طرح آشکار این‌گونه ادعاها، صریحاً و البته به شکل تدریجی، مبالغ چندین میلیارد دلاری را که در ازای حمایتش از عربستان می‌خواهد، علنی کرده است.

با این حال بسیاری از کارشناسان مسائل سیاسی اعتقاد دارند؛ واقعیت امر این است که او نه تنها خواهان آزادی دخل و تصرف کامل در کل نفت و گاز سعودی است، بلکه انتظار دارد، دولت عربستان همچون سربازی گوش به فرمان، به‌طور کامل و با تمام وجود و تا زمانی که جان در بدن دارد، از سیاست‌های آتش‌افروزانه آمریکا در منطقه حمایت و در اجرای طرح‌هایی مانند: «معامله قرن» و عادی‌سازی روابط کشورهای اسلامی با رژیم اشغالگر قدس یا پروژه ایران هراسی و همچنین طرح کنترل قیمت نفت، ایفای نقش نموده و پیش‌تاز باشد.

به این ترتیب اینک این پرسش مطرح است؛ که راز ماجرای رابطه عشق سیاسی و البته تحقیرآمیز دولت آمریکا با آل سعود چیست و چگونه می‌شود که ترامپ از خوبی سعودی‌ها دم می‌زند و می‌گوید: «من عربستان را دوست دارم، آنها خوبند» و متقابلاً بن سلمان نیز از رابطه عاشقانه با ترامپ خبر می‌دهد و اظهار می‌کند که: «کار با دونالد ترامپ را دوست دارم»؟

چرا در حالی که حکومت سعودی به خاطر انتقاد دولت کانادا از نقض علنی حقوق بشر در عربستان، روابط خود با این کشور را قطع می‌کند و دائماً برای کشوری مانند ایران اسلامی خط و نشان می‌کشد و حتی کشور همپیمان خود یعنی قطر را به دلیل عدم همراهی با زیاده‌خواهی‌ها و سیاست‌های جنگ‌طلبانه آل سعود، مورد مؤاخذه و هجمه قرار داده، در برابر توهین‌ها و تحقیرهای آمریکا سکوت اختیار کرده است؟

چه عاملی سبب می‌شود که وقتی خبرنگار بلومبرگ در مصاحبه چند روز پیش از بن سلمان می‌پرسد که: آیا اهمیت نمی‌دهید که ترامپ این چیزهای واقعاً گستاخانه را در باره پدر شما می‌گوید؟ بن سلمان حقیرانه پاسخ می‌دهد: «حُب، می‌دانید، باید قبول کرد که دوستان چیزهای خوب و بد درباره ما می‌گویند».

ما نمی‌توانید دوستانی داشته باشید که ۱۰۰ درصد چیزهای خوبی درباره شما می‌گویند. این ماجرا حتی درون خانواده‌ها هم صادق است. همیشه سوءتفاهم‌هایی وجود دارد و ما این (سخنان ترامپ) را هم در همین دسته طبقه‌بندی می‌کنیم.»
علت سکوت عربستان در برابر تحقیرهای آمریکا:

سرمایه و ثروت آل سعود در آمریکا؛ شاید باور کردنی نباشد، اما رسانه آمریکایی «سی. ان. بی. سی» اخیراً در گزارشی جنجال برانگیز، میزان داری‌های خاندان آل سعود را بالغ بر یک تریلیون و چهارصد میلیارد دلار برآورد کرده است، علاوه بر این؛ خبرگزاری «سی. ان. بی. سی» آمریکا نیز، میزان ذخائر ارزی عربستان را در مجموع بیش از ۵۸۴ میلیارد دلار اعلام نموده است.

اگرچه مشخص نیست چه مقدار از این دارایی‌ها به بانک‌های آمریکایی سپرده شده و یا در خاک ایالات متحده سرمایه‌گذاری شده است، اما اکثر کارشناسان مسائل اقتصادی و سیاسی با استناد به واکنش چندی پیش عربستان مبنی بر تهدید دولت آمریکا به خروج دارائی‌های خود از این کشور (در صورت تأیید و افشای نقش عربستان در واقعه ۱۱ سپتامبر)، معتقدند بخش

عمده این دارایی‌ها به آمریکا انتقال یافته است.

این مفهوم بدان معناست که؛ اکنون دولت عربستان به علت سپرده‌گذاری میلیاردها دلار از ذخائر ارزی و ثروت بادآورده ظاهراً شخصی حکام خود در بانک‌های آمریکایی و سرمایه‌گذاری حجم عظیمی از این دارائی‌ها در بخش زمین و مسکن و خرید سهام کارخانجات آمریکایی، به نوعی گروگان آمریکاست و اگر هم بخواهد، به راحتی قادر به قطع رابطه با بانک‌ها نخواهد بود، چرا که قطعاً بخش عمده ثروت خود در این کشور را به بهانه واقعیاتی مانند؛ غرامت مشارکت در واقعه 11 سپتامبر یا نقض حقوق بشر و امثال آن، از دست خواهد داد.

به عبارت دیگر، علاوه بر ضعف‌های متعددی که در ساختار حکومتی عربستان وجود دارد، وابستگی خاندان آل سعود به ثروت و سرمایه‌گذاری‌هایی که در آمریکا کرده‌اند، امکان واکنش متقابل را از آنها سلب نموده است.

ناتوانی عربستان در اداره امور خود: شکست‌های پی‌درپی عربستان در عرصه‌های مختلف بین‌المللی از جمله؛ رقابت با ایران و تأثیرگذاری بر روند مبارزه این کشور و سایر کشورهای همسو با گروه‌های تروریستی و تکفیری و ناکامی آل سعود برای ایجاد تفرقه بین این کشورها یا شکست سعودی‌ها برای اعمال قدرت بر کشورهایمانند قطر، حکایت از ضعف دستگاه دیپلماسی این کشور دارد و سعودی‌ها بر این باورند که قطع ارتباط با آمریکا، این ناکامی‌ها را تشدید خواهد نمود.

در بُعد داخلی نیز، دیکتاتوری، بی‌عدالتی و بی‌تفاوتی نسبت به آزادی‌های مشروع اجتماعی و حقوق شهروندی و عدم موفقیت این کشور در رفع فقر از جامعه، بیانگر این واقعیت انکارناپذیر است که آل سعود، واقعاً از توان اداره حکومت و ساماندهی عادلانه اوضاع کشور و جامعه خود، ناتوان و عاجز است و لذا قاعدتاً چنین کشوری نمی‌تواند در تقابل سیاسی و اقتصادی، حتی با کشورهای ضعیف‌تر از خود قرار گیرد.

ناتوانی در حفظ امنیت ملی: به رغم در اختیار داشتن انبوه تسلیحات نظامی، نتایج جنگ چندساله عربستان با یمن نیز ثابت کرده است که یکی دیگر از عواملی که مانع از واکنش متقابل سعودی‌ها در برابر توهین و تحقیر آمریکایی‌ها شده، ناتوانی این کشور در ایجاد و حفظ امنیت خود است.

حفظ تاج و تخت؛ ترجیح منافع شخصی و تاج و تخت بر عزت کشور و مردم عربستان، موضوع دیگری است، که واکنش به تحقیر آمریکایی‌ها را برای آل سعود ناممکن ساخته است، چرا که حکام عربستان مانند سایر همپالگی‌هایشان به خوبی می‌دانند که با عرض اندام و اقدامات مخربی که به یمن ثروت بادآورده خود در سطح دنیا و منطقه مرتکب شده‌اند، بدون حمایت آمریکا و اروپایی که این‌گونه اقدامات قبلاً فقط در انحصار آنها بوده، نمی‌توانند در درازمدت، مسند پادشاهی را حفظ نمایند.

تهدید و تحذیر از سوی آمریکا: رئیس‌جمهور آمریکا در حالی که در جریان رقابت‌های انتخاباتی خود، رسماً از داعش به عنوان محصول مشترک و دست‌پرورده دولت اوباما و خانم کلینتون با حمایت مالی عربستان نام برده است، همان‌زمان ضمن دامن زدن به سیاست ایران هراسی، تلویحاً به استفاده ابزاری از داعش برای تهدید عربستان نیز روی آورده و می‌گوید؛ «عربستان در آینده نزدیک با بحران جدی داعش روبرو خواهد شد که نیازمند کمک ما خواهد بود و اگر ما نبودیم عربستان نمی‌توانست وجود خارجی داشته باشد.»

با این توصیف می‌توان گفت که مهمترین علت ضعف و ذلت‌پذیری آل سعود، ناشی از خصلت‌های مذموم فردی حکام عربستان و وابستگی محض این رژیم به غرب است و درست به همین دلیل است که مسئولین و رسانه‌های عربستان، در برخورد با رفتار حقارت‌آمیز ترامپ، حس ناسیونالیستی و غیرت عربی که مدعی آن هستند را به فراموشی سپرده و خفت سرسپردگی به غرب را پذیرفته‌اند.

این شرایط سبب شده تا هم‌اکنون حکام عربستان برای آمریکایی‌ها به گاو شیرده و برای مسلمانان و همسایگان خود، به شاخ گاو تبدیل شوند.

سایر نکات قابل تأمل در روابط عربستان و آمریکا:

بی‌تردید حضور در منطقه و دوشیدن سعودی‌ها و غارت ثروت مردم مسلمان منطقه و عربستان، مهمترین اهداف آمریکا برای ایجاد ارتباط با خاندان آل سعود به‌شمار می‌روند، اما نکته قابل تأمل دیگر، به تلاش این کشور برای استفاده ابزاری از حکام جاه‌طلب سعودی در جهت فشار به همسایه‌ها و دیگر کشورهای اسلامی به منظور تأمین منافع و خواسته‌های سرمایه‌داران آمریکایی مربوط می‌شود.

نکته دیگر این است که؛ برخلاف ژست بشردوستانه اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها، رفتارهای ترامپ در حمایت از رژیم دیکتاتور و جنگ‌افروز عربستان، ثابت کرده است که از نظر سردمداران غرب و به‌ویژه آمریکا، همه چیز حتی جان انسان‌های بیگناه، با پول قابل معامله است و در هر شرایطی، این منافع غرب و آمریکا است که اولویت را نسبت به شعارهای مورد ادعای آنها مثل؛ دموکراسی، آزادی و حقوق بشر تعیین می‌کند.

علاوه بر این؛ وقتی ترامپ علناً و رسماً در ملاء عام می‌گوید؛ «اگر ما نبودیم عربستان نمی‌توانست وجود خارجی داشته باشد» نمی‌تواند مفهومی بجز افشای چهره منافقانه آمریکا در حمایت از رژیم‌های دیکتاتور و تناقض آشکار با ادعای حمایت از حقوق بشر و دفاع از آزادی داشته باشد.

مجموع این عوامل حکایت از دخالت صریح آمریکا در ساختار حکومتی عربستان داشته و در عین حال ثابت می‌کند که تمام جنایت‌ها و اقدامات مخرب عربستان در سطح جهان با چراغ سبز و هماهنگی کامل آمریکا صورت می‌پذیرد.

با این حال؛ آمریکایی‌ها حمایت از این رژیم را تا زمانی ممکن می‌دانند که گاو آنها، شیری برای دوشیدن داشته باشد، بنابراین؛

این رابطه نه تنها یک رابطه مرید و مرادی و بر اساس منافع متقابل نیست، بلکه از رابطه ارباب و رعیتی هم ذیلانه تر و بدتر است.

ذکر این نکته نیز ضروری است که؛ طمع ورزی آمریکا فقط به ثروت مردم فقربسته عربستان محدود نمی شود، بلکه سایر کشورهای جهان حتی کشورهایی مانند؛ کره و ژاپن که پس از جنگ جهانی تا کنون در حال پرداخت غرامت به آمریکا است، نیز همواره در معرض غارتگری آمریکایی ها قرار داشته و از این زیاده خواهی ها در امان نبوده اند.

در این رابطه، ترامپ در یکی از همین سخنرانی های مورد اشاره، از اینکه کشورش از ارتش های کشورهای ثروتمندی همچون عربستان، ژاپن و کره جنوبی حمایت می کند، گلایه نموده و تاکید کرده است که این کشورها باید در آینده هزینه این حمایت ها را بپردازند. ما از ارتش های آنها حمایت می کنیم، بگذاریم بپرسم چرا از ارتش های این کشورهای پولدار حمایت می کنیم.

احمد رضا هدایتی